

Journal of Resistance Literature
Faculty of Literature and Humanities
Shahid Bahonar University of Kerman
Year 13, No 24, Spring / Summer 2021

**A comparison and analysis of the themes of protest poems in
contemporary Iranian literature**

Najme Taheri Mahzamini¹ 

Mohammad Sadegh Basiri² 

Abstract

‘Protest Poetry’ as a literary type tries to present the dark spots of society in order to reform it, and for this purpose, it attacks many weaknesses, injustices, disorders, inattention and so on. This article tries to examine the themes of protest poems of the contemporary period of Iranian history, which include the constitutional era, the Pahlavi era and the period of the Islamic Revolution.

This article has been conducted as a case study and library study, and the themes of protest poems of the contemporary period of Iranian history, which include the constitutional era, the Pahlavi era and the Islamic Revolution, have been collected and analyzed descriptively.

In general, the themes of these poems can be divided into two categories, i.e., common and specific themes. Common themes are the issues that exist in all three mentioned periods, such as protest against class conflict, poverty, hypocrisy of traitors, foreign interference and self-blame, etc. Based on the political and social situation of each period, some protests have been given special attention in each period, including protesting against the ignorance of the people, protesting against suffocation and not being free, protesting against forgetting the memory of the martyrs, etc. In all these themes, poets with a language

¹ Corresponding author: Ph.D. in Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran. Email: taheri_najme@yahoo.com

² Ph.D. in Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, S Professor of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran. Email: ms.basiri@gmail.com

Received: December 31, 2016

Accepted: February 15,

mixed with humor try to guide to the right path those who have deviated from it.

Finally, by examining these themes, it was concluded that the purpose of protest poetry is to preserve values, reform society and fight against various types of injustice, and it is a kind of enjoining the good and forbidding the wrong.

Keywords: Protest poetry, Constitutional period, Literature, Side of the Islamic Revolution, Injustice.

Paper Type: Research Paper.



نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال سیزدهم، شماره بیست و چهارم، بهار و تابستان ۱۴۰۰

مقایسه و تحلیل مضامین اشعار اعتراض در ادبیات معاصر ایران

(علمی-پژوهشی)

نجمه طاهری ماهزمینی

محمدصادق بصیری

چکیده

«شعر اعتراض» به عنوان یک نوع ادبی می‌کوشد تا نقطه‌های تاریک زندگی جامعه را به قصد اصلاح مطرح کند و به این منظور به بسیاری از سستی‌ها، بی‌عدالتی‌ها، نابسامانی‌ها، بی‌توجهی‌ها و... می‌تازد. این مقاله سعی دارد مضامین اشعار اعتراض دوره معاصر تاریخ ایران که شامل عصر مشروطه، عصر پهلوی و دوره انقلاب اسلامی می‌شود، مورد بررسی قرار دهد.

به طور کلی مضامین این اشعار را می‌توان به دو بخش مضامین مشترک و اختصاصی تقسیم نمود. مضامین مشترک، مسائلی است که در هر سه دوره یادشده، وجود دارند، مثل: اعتراض به تضاد طبقاتی، فقر، ریاکاری افراد خائن، دخالت بیگانگان و سرزنش خود و... بر اساس موقعیت سیاسی و اجتماعی هر دوره، برخی اعتراض‌ها به طور اختصاصی در یک دوره بیشتر مورد توجه بوده‌اند. از جمله اعتراض به نادانی مردم، اعتراض به خفقان و عدم آزادی اعتراض به فراموشی یاد و خاطره شهدا و... در همه این مضامین، شاعران با زبانی آمیخته به طنز سعی می‌کنند کسانی را که از راه راست منحرف شده‌اند، به راه صلاح بیاورند.

این مقاله به صورت مطالعه موردی و کتابخانه‌ای انجام شده و مضامین اشعار اعتراض دوره معاصر تاریخ ایران که شامل عصر مشروطه، عصر پهلوی و دوره انقلاب اسلامی می‌شود، جمع‌آوری گردیده و به صورت توصیفی، تحلیل و بیان شده‌اند.

در نهایت با بررسی این مضامین به این نتیجه می‌رسیم که هدف شعر اعتراض، حفظ ارزش‌ها، اصلاح نمودن جامعه و مبارزه با انواع مختلف بی‌عدالتی است و به نوعی امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: شعر اعتراض، دوره مشروطه، دوره پهلوی، ادبیات انقلاب اسلامی، بی‌عدالتی.

۱. دانش آموخته دوره دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.
(نویسنده مسئول: taheri_najme@yahoo.com)

۲. استاد، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران. رایانامه:
ms.basiri@gmail.com

۱- مقدمه

ادبیات کلاسیک ایران، همواره نماینده زندگی اجتماعی مردم و طبقات آن بوده است. آنچه در ادبیات ما مشاهده می‌شود، زندگی سخت و پر رنج مردم ستم‌دیده‌ای است که همواره مورد ظلم و تعدی پادشاهان مستبد داخلی و دشمنان غاصب خارجی بوده‌اند؛ اما در گذشته کمتر امکان اعتراض گسترده به نظام حاکم و سیاست‌های آن‌ها در قبال مردم به وجود می‌آمده است و گویا مردم تصور می‌کردند چون پادشاه ظل الله است، پس این سختی‌ها نیز سرنوشتی است که از جانب خداوند بر آن‌ها مقدر شده است. در دوره مشروطه این طرز تفکر در جامعه کم‌کم از بین رفت و مردم به حقوق انسانی خود آگاه شدند و توانستند از شاه و درباریان انتقاد نمایند. زمینه این نوع انتقادات در پی انقلاب مشروطه به وجود آمد.

در همین راستا، در دوره مشروطه اعتراضات زیادی به دولت، حاکمان، و کیلان، نمایندگان مجلس و دیگر اقشار اجتماعی و حتی به خود مردم و شاعران آن زمان وارد بود. علاوه بر دوره مشروطه، در دوره پهلوی اول و دوم نیز به دلیل درهم شکستن روحی و روانی و دلزدگی مردم از حکومت، فقر، آشوب‌های سیاسی و اجتماعی و .. روشنفکران و به‌ویژه شاعرانی که آمال خویش را بر باد رفته می‌دیدند، بر آن شدند تا به گونه‌های متفاوت، اعتراض و عصیان خویش را از جامعه خسته و حکومت سرکوبگر روزگار بیان کنند. این اعتراض‌ها با پیروزی انقلاب اسلامی به پایان نرسیدند و در شعر دوره بعد از دفاع مقدس نیز این اعتراض‌ها همچنان وجود دارند. با بررسی این مضامین در هر سه دوره یک سیر تکاملی دیده می‌شود؛ هرچه از دوره مشروطه جلوتر می‌رویم خواسته‌ها و اعتراض‌های مردم سنجیده‌تر و مهم‌تر می‌شوند تا این که در دوره انقلاب اسلامی مطالبات مردم با توجه به سطح فکری آن‌ها و رویکرد انقلاب اسلامی بیشتر ارزشی و دینی می‌شوند تا مادی و دنیوی.

۱-۱- بیان مسأله

ترکیب «ادب اعتراض» که تقریباً با مترادفاتی چون «ادب مقاومت»، «ادب شورش»، «ادب ستیز» در برابر «ادب سازش» در آثار ادب پژوهان و فرهنگ‌ها به تصریح از آن یاد شده است، به آن دسته از سروده‌ها و نوشته‌ها اطلاق می‌شود که به نوعی روح انتقاد یا اعتراض یا مقاومت شاعر و نویسنده را در برابر عوامل تحمیلی اجتماعی و سیاسی و اقتصادی حاکم منعکس کرده است (پشت دار، ۱۳۸۹: ۱۵۸)

شعر اعتراض به عنوان یک نوع ادبی می‌کوشد تا نقطه‌های تاریک زندگی جامعه را به قصد اصلاح مطرح کند و به این منظور به بسیاری از سستی‌ها، بی‌عدالتی‌ها، نابسامانی‌ها، بی‌توجهی‌ها و .. می‌تازد و سلاح کوبنده و موثر انتقاد را همیشه در دست دارد، گاه جامعه رنج کشیده و بحران‌زده را جرقه‌ای لازم است تا به جوشش و تلاطم همه‌گیر

برسد و این رسالت را هنرمندان و اهل ادب برعهده دارند» (صدقیان زاده، ۱۳۹۰: ۱۸۶) بر این اساس، مقاله حاضر قصد دارد به بررسی مضامین مشترک و اختصاصی اشعار اعتراض در دوره صد ساله گذشته پردازد تا سیر تحول خواسته‌های مردم ایران را نشان دهد.

۱-۲- پیشینه تحقیق

در زمینه شعر اعتراض تاکنون مقالات زیادی به چاپ رسیده؛ همچون: «شعر معترض و شاعر حکومتی» از محمدرضا وحیدزاده مجله زمانه، شماره ۹۶. «تاملی در ترکیب اضافی «شعر اعتراض» با نگاهی تأویلی به تاریخ شعر». از کاظم رستمی، مجله زمانه، شماره ۹۶. «شعر ملی، شعر متعهد، شعر اعتراض» از مشیت علایی، مجله آزما، شماره ۹۶. همچنین پایان‌نامه‌هایی نیز در زمینه شعر اعتراض کار شده است؛ مثل «بررسی شعر اعتراض در ادبیات دفاع مقدس» از سیده‌هاجر حسینی کلبادی و راهنمایی دکتر یدالله شکری از دانشگاه سمنان و ... اما در هیچ یک از این آثار مضامین مشترک و اختصاصی موجود در اشعار اعتراض در دوره معاصر یعنی از مشروطه تاکنون مورد بررسی قرار نگرفته‌اند.

۱-۳- اهمیت و ضرورت تحقیق

با توجه به فراگیری ادبیات متعهد و ادبیات پایداری در دوره صد ساله گذشته و فراگیری زیرمجموعه‌های آن مثل: شعر دفاع مقدس، شعر انتظار، شعر اعتراض و ... در دوره انقلاب اسلامی لازم است که یکی از گونه‌های این نوع ادبی یعنی شعر اعتراض و مضامین مطرح شده در شعر شاعران مورد بررسی قرار گیرد تا سیر تحول و تکامل این اعتراض‌ها و خواسته‌های شاعران معاصر و مردم فهیم ایران نمایان گردد.

۲- بحث

در این بخش به بررسی مضامین مشترک اشعار اعتراض دوره معاصر (از مشروطه تا کنون) پرداخته می‌شود.

۲-۱- اعتراض به تضاد طبقاتی و عدم عدالت اقتصادی

در دوره مشروطه اوضاع اقتصادی ایران بسیار نابه‌سامان بود و فقر و بیچارگی گریبان‌گیر بیشتر مردم بود؛ به طوری که در روستاهای ایران کار به فروش کودکان روستایی رسید. فروش کودکان خردسال و حتی روستاییان جوان برای پرداخت مالیات در ایالات لرستان، سیستان، خراسان و کرمان امری کاملاً عادی بوده است. «روستاییان بلوچستان جز پوست هندوانه چیز دیگری برای رفع گرسنگی نداشتند ... رعایای املاک دولتی در سیستان و بلوچستان از گرسنگی و پریشانی علف می‌خوردند، لوت و عور مثل حیوانات زندگی می‌کردند» (فشاهی، ۱۳۶۰: ۱۸۴) این در حالی بود که پادشاه ایران (ناصرالدین شاه) در ناز و نعمت زندگی می‌کرد و حتی به کشورهای خارجی سفر می‌نمود. تا قبل از این دوره، چیزی به نام عدالت در انواع مختلف آن؛ یعنی عدالت اجتماعی، عدالت اقتصادی

و.. مفهومی نداشت؛ اما هم‌زمان با شکل‌گیری نهضت مشروطه، «عدالت» یکی از مهم‌ترین مفاهیمی بود که در ایران شکل گرفت. با این وجود، عدالت به معنی تعدیل قدرت اقتصادی و نفی طبقات و ایجاد مساوات اقتصادی و اجتماعی، مقوله تازه‌ای بود که به مراتب دیرتر از مقوله‌ها و استنباطات دیگر از عدالت، وارد حوزه تفکر عصر مشروطیت شد (صدری‌نیا، ۱۳۷۲: ۱۰۰) و حتی شاعران این عصر هم چندان اهمیتی نسبت به آن نداشتند؛ اما در این میان، فرخی یزدی بیش‌ترین توجه را به مقوله عدالت اقتصادی داشت؛ برای نمونه:

با آنکه غنی خزانه دولت نیست با آن‌که به فقر می‌کند ملت زیست
از چیست حقوق و کلا قمچی کش یک‌دفعه دواسه به آید از صد به دو بست
(فرخی یزدی، ۱۳۶۰: ۲۲۰)

در واقع فرخی یزدی یکی از بهترین و سیاسی‌ترین شاعران دوره معاصر و حتی می‌توان گفت در طول تاریخ ایران است؛ چنانکه شفیع کدکنی معتقد است که بعد از حافظ هیچ کس غزل سیاسی را به خوبی فرخی یزدی نگفته است (شفیع کدکنی، ۱۳۹۲: ۴۳۰).

ملک الشعرای بهار نیز در اعتراض به تضاد طبقاتی و فقر مردم می‌گوید:

گویند سیم و زر به گدایان خدا نداد جان پند بگو بدانم چرا نداد؟!
دایم به قهوه خانه سماور صدا دهد یکبار هم سماور بابا صدا نداد
(بهار، ۱۳۸۷: ۳۲۹)

ابوالقاسم لاهوتی نیز از طرفداران طبقات پایین جامعه است و در مورد وضع آن‌ها می‌گوید:

به ناله مُرد فقیری میان کوچه ز جوع توانگری همه را می‌شنید و هیچ نگفت
شنید «فقر وطن» شاه بهر مترس خود دو دست رخت مرصع خرید و هیچ نگفت
(لاهوته، ۱۳۵۷: ۵۲)

بعد از این دوره، با وجود تلاش‌های زیادی که برای برقراری قانون و عدالت در جامعه ایران صورت گرفت، چون دولتمردان خائن تنها به فکر خود و منافع‌شان بودند و با ایادی غربی و شرقی خود دائماً در تبادل و معامله بودند، عملاً هیچ نفعی به مردم نرسید و وضع معیشتی مردم روز به روز بدتر می‌گشت. سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ یعنی دوران محمدرضا شاه پهلوی از پرتنش‌ترین دوره‌های پس از عصر مشروطیت است که باعث اعتراض‌های شدیدی نسبت به شاه و دیگر عمال او شد. چون در این دوره ایران به زور قصد داشت خود را به «نظام سرمایه‌داری یا امپریالیسم» متصل کند، تضاد عمیقی بین اقشار جامعه به وجود آمد و چون بیشتر مردم ایران را کارگران و روستائیان تشکیل می‌دادند، هر گونه اقدام نابخردانه‌ای سبب بیشتر شدن شکاف بین طبقات جامعه می‌شد. شاعران زیادی به این مساله اعتراض کرده‌اند. نیما اولین شاعر دوره قبل از انقلاب است که به مشکلات اقتصادی و فقر جامعه معترض است. او

در شعر «خانواده سرباز» می‌گوید: طفل همسایه خوب می‌پوشد، / خوب می‌گردد، خوب می‌نوشد. / فرق در بین این دو بچه چیست؟ / هرچه آن را هست، این یکی را نیست. / بچه سرباز، کاین چنین ژنده‌است / پس چرا زنده است؟ (نیما، ۱۳۵۳: ۵۱)

نمونه دیگر این گونه اشعار قطعه «جنوب شهر» از اسماعیل خوبی است که شاعر با مقایسه دو منطقه جغرافیایی شمال و جنوب شهر، تضاد طبقاتی را بیان می‌نماید و از آن شکوه می‌کند: جنوب شهر ویران خواهد شد؛ / و جای هیچ غمی نیست، جای هیچ غمی نیست: / جنوب شهر باید ویران شود. / ستم / نه! این ستمی نیست.. (خوبی، ۱۳۵۷: ۸۱) خسروگل سرخی نیز در شعر «یک با یک برابر نیست» با استفاده از معادلات ریاضی، تبعیض اجتماعی را در جامعه آن روز ثابت می‌کند: معلم پای تخته داد می‌زد... / و با آن شور بی‌پایان / تساوی‌های جبری را نشان می‌داد... / تساوی را چنین بنوشت / یک با یک برابر هست / از میان جمع شاگردان یکی برخاست / همیشه یک نفر باید به پا خیزد / به آرامی سخن سر داد / تساوی اشتباهی فاحش و محض! / معلم / مات بر جا ماند... / و او با پوزخندی گفت / اگر یک فرد انسان واحد یک بود / آن که زور و زر به دامن داشت بالا بود؟ / و آن که قلبی پاک و دستی فاقد زر داشت / پایین بود؟... (گل سرخی، ۱۳۸۷: ۱۲۷-۱۲۶)

در دوره انقلاب اسلامی نیز، علی‌رغم همه تلاش‌ها برای رفع تبعیض‌ها، عده‌ای از طریق زد و بندهای سیاسی به نان و نوایی رسیدند و گروهی نیز در سیاه بازاری و سیاهبازی‌های دوران جنگ، خود را بالا کشیدند و بهایش را گروهی دیگر با چهره سیلی خورده پرداخت کردند که نمود آن در شعرهای دهه هشتاد و اعتراض‌های دهه هفتاد مشهود است (جعفری زاده، ۱۳۹۱: ۱۸۶) شاید به ضرس قاطع بتوان گفت که بیشترین نوع اشعار اعتراض در دوره بعد از انقلاب اسلامی نیز، مربوط به نابسامانی اوضاع اقتصادی جامعه و مردم است؛ به طوری که از مجموع اشعار جمع-آوری شده، حدود ۳۰۰ بیت را شامل می‌شود. این اشعار موضوعاتی چون گرسنگی، خالی بودن سفره، یک لقمه نان، نداری، شرمندگی پدر، سرپرست خانواده و... را دربرمی‌گیرند. برای نمونه: درآمد از راه / دست‌های خالی / کودکان چشم به دستان پدر... / سفره خالی را / پدر از پنجره بیرون انداخت / سفره قلبش را / بار دیگر گسترده / بچه‌ها / آن شب هم / - مثل دیگر شب‌ها - / یک شکم سیر محبت خوردند! (حسینی، ۱۳۶۳: ۹۱)

هی می‌نویسد این ندارد، آن دارد
(مهدی‌نژاد، سیار، ۱۳۸۸: ۱۲۸)

انگار بابا هم کلاس اولی‌هاست

آن دختر نان فروش دستانش را
در ماشینت به فکر کیک فردا
(ارژن، ۱۳۸۸: ۹۸)

نان گرم تازه نمی‌خوای آقا
به سوی همه دراز می‌کرد و تو

بحث مسائل اقتصادی و تامین مایحتاج روزمره زندگی مردم آن قدر از نظر اسلام مهم است که ایمان افراد را منوط و در گرو آن دانسته‌اند. چنان که پیامبر اکرم (ص) در حدیثی می‌فرماید: «کاد الفقر ان یکون کفرا» یعنی نزدیک است که فقر و ناداری به کفر بینجامد. بر این اساس در اشعار زیادی به این مسئله اشاره شده و البته به دید اعتراضی آن را نقد کرده‌اند؛ اما این‌ها واقعیت‌های اجتماعی هستند که باید آن‌ها را پذیرفت، از جمله:

آدم آن روز که دستش به دهانش نرسید از خدا دست کشید و پی شیطان افتاد

(مهدی‌نژاد، سیار، ۱۳۸۸: ۵۸)

گندم ، فریب دایمی گندم ما رانده از بهشت به جرم نان

(مودب، ۱۳۸۸: ۲۴)

ازدهای فقر، هر سو می‌وزید کفر در باروی ایمان می‌خزید...

(طهماسبی، ۱۳۸۲، ۱۳۲)

اگر به این اشعار دقت شود، درمی‌یابیم که اعتراض شاعران به فقر و مشکلات اقتصادی، از نگرانی آنها در مورد دین و اعتقادات مردم نشأت گرفته که نشانه تعالی اعتراض‌ها و درخواست‌های شاعران دوره انقلاب اسلامی است. نمونه‌های دیگر این مضمون را در منابع زیر می‌توان مشاهده نمود:

(مهدی‌نژاد، سیار، ۱۳۸۸: ۱۲۸) (قزوه، ۱۳۹۱: ۷۸) (حسینی، ۱۳۷۸: ۱۷) (مهدی‌نژاد، سیار، ۱۳۸۸: ۱۸۱) (مهدی‌نژاد، سیار، ۱۳۸۸: ۶۹)

۲-۲- اعتراض به افراد خیانتکار و دشمنان داخلی

مسأله دیگری که باعث اعتراض‌های شدید در هر سه دوره شده، خیانت افراد مزدور و خائن داخلی است. در دوره مشروطه هدف این اعتراض‌ها دشمنان داخلی، شاه قاجار، قدرتمندان و.. بوده است، از جمله این اعتراض‌ها می‌توان به نمونه زیر اشاره نمود:

آری شـکم عزیزتر از مملکت بود «حلاج» را که ملک بداد و لبو گرفت

دستت رسد اگر تو، بکن قطع بی‌درنگ: دستی که دوستانه دو دست عدو گرفت

(عشقی، ۱۳۵۷: ۷۴)

بی‌مبالاتی این افراد خائن گاه تا آن حد بوده که برای رسیدن به اهداف پلید خود، حاضر بودند تمام کشور و ملت خود را فدا نمایند. نمونه دیگر:

حافظان دینند مشتی رهزنان یاللعجب! حارس ملکند جمعی غرزان یا ویلتا!

کینه‌توز و کینه‌ورز و کینه‌خواه و کینه‌جو فتنه آور بار و فتنه کار و فتنه‌زا

(ادیب الممالک، ۱۳۵۵: ۳۶)

در دوران قبل از انقلاب مانند دوران مشروطه، افراد زیادی کارشکنی و خیانت می‌کنند و وضع عمومی کشور را از آن‌چه که هست، بدتر می‌نمایند. این‌گونه افراد نیز از طعن و سرزنش شاعران متعهد در امان نمانده‌اند. از جمله این شاعران، طاهره صفارزاده است که در اشعار انتقادی خود چنین دست مزدوران را رو می‌کند: آنان که مزدوری را / در بزم‌های توطئه / ترویج کرده‌اند / چگونه نرد عشق وطن می‌بازند / آنان که بی‌وطنی را / از لوازم آزادگی شناخته‌اند / چگونه از بدی بد می‌گویند (صفارزاده، ۱۳۸۳: ۱۴۶)

شاملو به عنوان یکی از سیاسی‌ترین شاعران دوره قبل از انقلاب، در اعتراض به عمال و کارگزاران حکومت شاه که در بین همین مردم زندگی می‌کردند، می‌گوید: که می‌داند / که من باید / سنگ‌های زندانی‌ام را به دوش کشم / به‌سان فرزند مریم که صلیبش‌اش را / و نه به‌سان شما / که دسته شلاق دژخیم‌تان را می‌تراشید / از استخوان برادران / و رشته تازیانه جلا‌دستان را می‌بافید / از گیسوان خواهرتان / و نگین به دسته شلاق خود کامه‌گان می‌نشانید / از دندان‌های شکسته پدرتان! (شاملو، ۱۳۸۱: ۱۷۶)

در بعد از انقلاب اسلامی نیز انسان‌هایی بوده‌اند که برای راحتی و آسایش خویش، دست به هر کاری زده‌اند. انسان‌هایی که هرگز اعضای دیگران نبودند و خود را از گوهر برتر و نژادی مرتفع دانسته‌اند. اینان همان کسانی هستند که از تیررس نکته‌پردازان و سخن‌پردازان در امان نبوده‌اند و لبه تیز حمله، گاه متوجه این‌گونه افراد است که از همه چیز به نفع خود استفاده می‌کنند، چنان‌که مرحوم سلمان هراتی در مورد آنان می‌گوید: وقتی جنوب را / بمباران کردند / تو در ویلای شمالی‌ات / برای حل کدام جدول بغرنج / از پنجره به دریا / نگاه می‌کردی (هراتی، ۱۳۶۴: ۵۳)

این افراد خود را تافته جدا بافته ملت می‌دانند و هیچ‌گونه رنج و سختی را بر نمی‌تابند. از نظر این افراد بی‌درد و رفاه‌طلب: این همه خون، حجامت ملت بود / تا حاج آقا هم‌چنان چلو کباب سلطانی کوفت کند / تا قلیان بکشد / به تسبیح شاه مقصودش بنازد / و با تلفن زیمنس معامله کند (قزوه، ۱۳۶۹: ۹۲-۹۳) و حتی آن‌ها از جنگ یا جبهه، وسیله‌ای برای رسیدن به منافع خود استفاده می‌کنند. از جمله این افراد، برخی از تاجران و بازاریان هستند که این‌گونه مورد طعن و اعتراض قرار می‌گیرند: تاجری مجلس تفسیر گذاشت، ابتدا فاتحه بر قرآن خواند (حسینی، ۱۳۸۷: ۵) یا:

تیغ و اسب است که پوسیده به میدان، یارب!
کافر محض است گر از قصر برآید دینی
بگذارید که فتوا بدهم تضمینی
کاخ‌ها سبز شده از خون شهیدان، یارب!

(مهدی‌نژاد، سیار، ۱۳۸۸: ۱۱۴)

در نمونه‌های اخیر به وضوح مشاهده می‌شود که شاعران در دوره انقلاب اسلامی به افراد مقدس‌نما و ریاکاری اشاره دارند که از دین به عنوان نردبانی برای رسیدن به مقاصد مادی خود استفاده می‌کنند و این اعتراض نوعی نهی از منکر است که باعث اصلاح و تعالی این گونه افراد می‌شود.

۲-۳- اعتراض به حضور و دخالت بیگانگان در کشور

کشور ما هیچ‌گاه به صورت کامل مستعمره‌کشوری نبوده و فقط از آسیب‌های استعمارگران و دخالت‌های آنها در امور کشور رنج برده‌است و بخش عظیمی از بدبختی و به‌هم‌ریختگی جامعه ایران، مربوط به حضور همین بیگانگان در داخل کشور بوده‌است. آنها برای حفظ منافع خود دست به هر کاری می‌زدند، قوانین جامعه را زیر پا گذاشتند و نظم عمومی جامعه را به هم می‌زدند، در جای‌جای مملکت خون‌ریزی و کشت و کشتار راه می‌انداختند و برای به قدرت رسیدن افراد خائن و وابسته به خود، از هیچ تلاشی دریغ نمی‌کردند. بهار اعتراض خود را از حضور این بیگانگان، چنین به شاه زمان خود گوش‌زد می‌نماید:

بیدادها کنند و کس را / یک تن جدا از رنج و محن نیست

در کشور تو اجنبیان را / کاری جز انقلاب و فتن نیست

بنگر به مملکت خویش که در وی

یک دم مـجـال داد زدن نیست

(بهار، ۱۳۸۷: ۳۵۲)

و سپس به بیان ظلم‌های افراد جنایتکار گذشته می‌پردازد و در واقع ظلم آنها را در برابر ستم انگلیس و دیگر کشورهای مستکبر معاصر همچون قطره در برابر دریا می‌داند. عارف قزوینی نیز درباره دخالت بیگانگان در امور کشور چنین می‌گوید:

جز اجنبی و خائن و بیگانه، محرمی / در آستان شاه ملک پاسبان نبود

در اجنبی پرستی ایرانی آن چنان / داد امتحان که بهتر از این امتحان نبود

(عارف قزوینی، ۱۳۵۷: ۲۴۸)

در دوره قبل از انقلاب نیز شاعران متعهد در برابر دخالت‌های استعمارگران و ایجاد تفرقه در بین مسلمانان به تحریک مردم علیه ظلم و ستم و دخالت‌های آنها پرداخته‌اند. از جمله این اشعار، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

دست غیبی است در این ملک که صد کار کند / ره زند، راه برد، زور دهد، زار کند
(حالت، ۱۳۷۰: ۴۶۶)

باید بدانیم که یکی از عوامل عمدهٔ تشنجات سیاسی و اجتماعی و عقب‌افتادگی اقتصادی و صنعتی دورهٔ پهلوی، نفوذ و تأثیر گذاری بیگانگان در آرا و تصمیمات شاه بود؛ از این رو قدرت‌های بیگانه، برای دستیابی به اهداف خود می‌کوشیدند فاسدترین و در عین حال مزدورترین افراد را در رأس هیأت حاکم نگاه دارند و این اقدام سبب اعتراض‌هایی به این افراد خائن و مزدور شده است. علاوه بر این شاعران به سیاست‌های استعمارگرانهٔ این قدرت‌های مستکبر و مستبد در سرتاسر جهان اعتراض نموده‌اند، از جمله آن‌ها شفیعی کدکنی است که در اعتراض به تسلط آمریکا بر کشورهای مستعمره شعر زیر را سروده است:

او می‌مکد طراوت گل‌ها و بوته‌های آفریقا را، / او می‌مکد تمام شهد گل‌های آسیا را، / شهری که مثل لانهٔ زنبور انگبین، / تا آسمان کشیده / و شهد آن: دلار. / یک روز، / در هُرم آفتاب کدکدامین تموز، / موم تو آب خواهد گردید، / ای روسپی عجوز؟
(شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۴۶۷)

در دورهٔ بعد از انقلاب اسلامی با توجه به بیداری جوامع بشری و گسترده‌شدن وسایل ارتباطی، دیگر کمتر کسی است که از اوضاع و تحولات سیاسی جهان بی‌خبر باشد و درد و رنج ناشی از نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌های روا داشته‌شده بر مردم جهان را احساس نکند. به همین دلیل، بسیاری از شاعران ایران در اعتراض به ظلم‌های مستکبران و استعمارگران جهانی شعر سروده‌اند. از جملهٔ این اشعار می‌توان به این شعر طاهره صفارزاده اشاره نمود:

من گفته‌ام که ویرانی‌ها / از دروغ واژهٔ «عَمَر» می‌آید / و با وساطت باب استفعال / به تخریب / به چپاول / به استعمار می‌رسد (صفارزاده، ۱۳۸۷: ۴۳۲)

این نوع اعتراض‌ها هم مربوط به کشورهای مثل لبنان، عراق، افغانستان و... است و هم وضعیت بردگان و کارگران را در سایر کشورها اعم از فرانسه، روسیه و آمریکا زیر نظر دارد. چنان‌که بیژن نجدی می‌گوید: در فلسطین پاشنه‌های تفنگ / صدای دق‌الباب خانه‌هاست / و سبدهای موز در آفریقا / زرد، چندان نیست که پوست مردگان من در آفریقا... / کاش در ماهواره‌ای بودم / در بسیاری تاریک / دورتر از بسیاری گریه (نجدی، ۱۳۸۷: ۱۲۲)

سلمان هراتی نیز در اعتراض به وضع بردگان در کشورهای اروپایی می‌گوید: سوسیالیست‌های فرانسه / وضع بهتری ندارند / سوسیالیست‌های فرانسه / با لالایی سیا به خواب می‌روند / من دیدم / در خیابان شانزه لیزه / زیر پای دموکراسی / پوست موز می‌گذارند / فکر می‌کنید مهد آزادی کجاست؟... (هراتی، ۱۳۶۴: ۸۸)

این اعتراض به ظلم‌های جهانی به تعداد تمام مردم مظلوم جهان است؛ در این جا تنها به گوشه‌ای از هزاران اشاره شد.

۲-۴- سرزنش و اعتراض به خود

هنر به قول نیچه ناشی از عدم تحمل هنرمند نسبت به وضعیت موجود است. این وضعیت موجود می تواند هستی باشد، می تواند جامعه باشد، می تواند زندگی خصوصی هنرمند باشد، بنابراین هنر از جمله شعر، یک امر اعتراضی است (لنگرودی، ۱۳۹۰: ۵۸) بنا بر این گفته، وظیفه شعر و هنر یک نوع اعتراض به جهان و به وضع موجود است و هنرمندان هیچ گونه ناموزونی و یا نابرابری را بر نمی تابند و همواره خواهان بهترین وضعیت هستند و در جهت خلق این وضعیت آرمانی در هر رشته ای که هستند تلاش می نمایند؛ اما یکی دیگر از پرکاربردترین مضامین اعتراضی در شعر بعد از انقلاب و به خصوص دو دهه اخیر، اعتراض به سکوت کردن جامعه بشری، شاعران و دیگر اقدار جامعه در برابر بی عدالتی ها و نابرابری ها است. در واقع باید گفت که این، اساسی ترین نوع اعتراض است، چون باعث بیداری، تحریض و ترغیب جامعه برای قیام علیه نابرابری های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ... می شود. این اعتراض ها در دوره مشروطه این گونه بیان می شدند:

زبان آوران وطن را چه آمد که لب بسته خو کرده با این زبونی
(فرخی یزدی، ۱۳۶۰: ۱۹۴)

غارت غارتگران شد مال بیت المال ما با چنین غارتگرانی وای بر احوال ما
اذن غارت را به این غارتگران داده است سخت سستی و خون سردی و نادانی و اهمال ما
(همان: ۸۵)

آن ها یکی از دلایل عقب ماندگی ملت را ضعف شاعران و یا عدم تلاش خود برای آگاهی بخشی به مردم می دانستند. گویا بهار نیز سخن فرخی را تأیید می کند و می گوید:

کار بیچاره وطن زار شد افسوس! افسوس! / افسوس! / افسوس!
جهل ما باعث این کار شد افسوس! افسوس!

(بهار، ۱۳۸۷: ۱۶۷)

سرزنش کردن و اعتراض به خود در دوره قبل از انقلاب همانند دوره مشروطه، یکی از مضامین پرسامد در شعر شاعران متعهد است. این شاعران آگاه و روشنفکر با خوداتهامی، در واقع به سکوت و پذیرش عمومی ظلم و ستم از جانب مردم اعتراض می کنند. چنان که شاعر می گوید: «وقتی که با شکستن یک شیشه / مُردابکِ صبوری یک شهر را / یکباره می توانی بر هم زد، / ای دست های خالی! از چیست / حیرانی؟» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۲۸۱-۲۸۰)

گاه شاعر با دیدن ظلم و ستم های موجود در جامعه، خود را به خاطر همه خوشی هایی که داشته، سرزنش می کند، مثل: بر من حرام باد ازین پس شراب و عشق / بر من حرام باد تپش های قلب شاد / یاران من به بند / در دخمه های تیره و نمناک باغشاه / در عزلت تب آور تبعیدگاه خارک / در هر کنار و گوشه این دوزخ سیاه (ابتهاج، ۱۳۷۸: ۱۰۶-۱۰۵)

یا: نه آبخش دادم / نه دعایی خواندم، / خنجر به گلویش نهادم / و در احتضاری طولانی / او را گشتم. / به او گفتم: / «به زبان دشمن سخن می‌گویی!» / و او را / گشتم! / نام مرا داشت / و هیچ کس همچونو به من نزدیک نبود، / و مرا بیگانه کرد / با شما، / با شما که حسرت نان / پا می‌کوبید در هر رگ بی‌تابان (شاملو، ۱۳۷۹: ۶۸)

در دوره انقلاب اسلامی و به‌خصوص در دهه‌های هفتاد و هشتاد نیز شاعران زیادی به خوداتهامی و اعتراض به سکوت شاعران و مسئولان فرهنگی پرداخته‌اند. از جمله: وقتی تابوت عاطفه بر زمین مانده بود / جمعی به جیغ بنفش می‌اندیشیدند / و برای کشف زوزه صورتی / هفت مرتبه الیوت و اکتاویوپاز را ورق می‌زدند (قزوه، ۱۳۶۹: ۹۹)

در ادامه این عبارات، شاعر اقشار مختلفی از هنرمندان را مورد طعن قرار می‌دهد که چرا امور مهم و ضروری زندگی را رها کرده و به امور غیرضروری سرگرم شده‌اند. گویا در مقابل این گونه شعرای نامتعهد، شاعران دیگری نیز هستند که اعتراض و فریاد در برابر ظلم را سرلوحه شعر خود قرار داده‌اند و می‌گویند: مرا نشناختند / که گفتند: / لب فرو بند / و به سری که درد نمی‌کند / دستمال میند. / من اما سرم درد می‌کرد! / گفتم: / دیروز چاره‌ساز این سر پر درد / یک پیشانی‌بند سبز بود / و امروز / جز با زبان سرخ نشاید که چاره کرد / گو هرچه باد، باد (همان: ۱۱۸)

۲-۵- اعتراض به عدم اتحاد و همبستگی مردم

هم‌زمان با رواج اندیشه‌های نوین در باب منشأ قدرت سیاسی و حکومت در دوران مشروطه و آگاهی از قدرت ملت در نظام سیاسی مشروط، توجه به اتحاد ملی مورد توجه قرار گرفت و این مساله یعنی نبودن حس همکاری و همبستگی اجتماعی که یک ضعف در جامعه ایرانی بود، مورد انتقاد شاعران قرار گرفت؛ زیرا مردم ایران تا قبل از دوران مشروطه به وابسته تبلیغات سوء حاکمان خود، کمتر به اتحاد و همبستگی ملی فکر می‌کردند و هر کسی تنها به فکر آزادی فردی، معنویت فردی، سعادت فردی، رفاه فردی و... بود و کمتر به مسائل اجتماعی یا گروهی می‌اندیشید و یکی از دلایل عقب‌ماندگی جامعه ایرانی قبل از مشروطه نیز همین عدم اتحاد مردم در مسائل مختلف بوده‌است. در دوره مشروطه شاعران این نقطه ضعف ایرانیان را نیز به باد انتقاد و اعتراض گرفته‌اند و از آن‌ها می‌خواهند تا همه اقشار جامعه اعم از روستایی، شهری، با سواد، بی‌سواد، فقیر و غنی با اتحاد، علیه عوامل ظلم و ستم قیام نمایند. این گونه اعتراض‌ها عبارتند از:

سرهر برزن و کو صحبت از استقلال است

مستقل نیست دو کس در سر یک رأی ولی

تا ابد حالت ایران به همین منوال است

تا بد اخلاقی و اشرافی و فرمانفرماست

در اینجا عارف قزوینی یک حکم قطعی صادر می‌کند و می‌گوید: تا مردم ایران به فکر خود هستند، وضع کشور بهبود نخواهد یافت. در اینجا نیز عشقی نیز از تنهایی و بی‌کسی خود در مبارزه با عوامل ستم شکوه دارد، مثل:

باید چنین نمود و چنان کرد چاره جست / لیکن چه چاره با من تنها نمی‌شود؟

تنها منم که گر نشود حکم قتل من: / حاشا، چنین معاهده امضا نمی‌شود

(عشقی، ۱۳۵۷: ۳۵۲)

در دوره پهلوی نیز شاعران از تنهایی خود شکوه می‌کنند و معتقدند که یک نفره نمی‌تواند کاری را به پیش ببرند، مثل:

چه حاصل اگر خاموشی بشکنم / که «یاران، در این دشت تنها، منم»؟ / گرفتم به بانگی گلو بردرم / که در دم بسوزد

چو خاکستر، / گرفتم که تندر فشاندم؛ چه سود / کز این هیمة نی شعله خیزد نه دود (شاملو، ۱۳۸۱: ۴۱۲)

یا: به بادِ سُست نهاد، اعتماد شاید کرد / به یارِ سُست نهاد، / اعتماد؟ / ای فریاد! (مصدق، ۱۳۷۸: ۳۰۷)

در دوره انقلاب اسلامی با آغاز جنگ تحمیلی همه قوای مردم و دولت برای مقابله با این دشمن بعثی بسیج شدند و بعد از جنگ نیز در همه عرصه‌ها مردم فهیم ایران متحد و منسجم حضور داشته‌اند و دیگر این نوع اعتراض مصداقی نداشت. در ادامه اعتراض‌های اختصاصی هر دوره بیان می‌شوند.

۲-۶-۲- اعتراض‌های اختصاصی دوره مشروطه

۲-۶-۱- اعتراض به نابسامانی دستگاه قضا

یکی دیگر از نهادهایی که شاعران مشروطه به آن اعتراض داشتند، دستگاه قضا بوده‌است؛ زیرا نحوه غلط اداره دستگاه قضایی کشور و فقدان عدل و داد در مورد مردم بی‌دفاع، خود عامل گستاخی ظالمان می‌شده‌است. برای همین، شاعران با اعتراض‌های خود، قصد داشتند مردم را از غفلت و جهل بیدار نمایند تا ضد این بی‌عدالتی‌ها قیام کنند، از جمله:

تا بخت من و تو، خرابتر از همه‌است / چشم تو و من، پُر آبرتر از همه‌است

هر چند ادارات خرابند و لیک / عدلیه ما خرابتر از همه‌است

(فرخی یزدی، ۱۳۶۰: ۲۱۷)

چنان‌که مشاهده می‌شود فرخی یزدی در این مشکل اجتماعی نیز بیشترین اعتراضات را داراست. در واقع یکی از دلایل هرج و مرج کشور در آن زمان، همین مسئله ناعادلانه بودن قوه قضائیه بوده و هرکسی برای رسیدن به منافع و اهداف خود به راحتی موازین قانونی را زیرپای می‌گذاشته‌است. نمونه‌های دیگر:

قاضی عدلیه آن کس باشد
شهره به اخذ و عمل، دلیل به غارت
رشوه ز ظالم گرفته خانه مظلوم
روبد و کوبد همی به اسم خسارت!

(ادیب الممالک، ۱۳۵۵: ۷۴۹)

از در و دیوار این عدلیه بارد ظلم و جور
محو باید کرد یک سر این عدالتخانه را

(فرخی یزدی، ۱۳۶۰: ۷۹)

۲-۶-۲- اعتراض به نادانی مردم

بیشتر مردم دوره مشروطه از اقشار کم سواد و یا بی سواد بودند و بسیاری از آنها حتی از وقوع انقلاب مشروطه نیز بی خبر بودند و همین امر سبب شد، اقلیت تحصیل کرده و روشنفکران عهد مشروطه به عنوان مدافعان اصلاحات به سبک غرب، نتوانند پیوند استواری با توده های مردم، به گونه ای که به آگاهی آنان منتهی گردد، برقرار کنند. برای همین، بخش عظیمی از نیروی انسانی جامعه در جریان مشروطیت به کار گرفته نشدند. این مسأله نادانی و بی سوادى مردم تا آن جا مهم است که حتی آن را علت العلل همه بدبختی ها و سرچشمه اصلی همه نواقص و منشا تمام خرابی های جامعه دانسته اند (ملایی توانی، ۱۳۸۱: ۱۰۹) البته دلیل این مسأله را باید در خودخواهی حاکمان و حکومت های ظالمانه جستجو نمود؛ زیرا خودخواهی حاکمان باعث شده بود که مردم نجیب ایران همواره در بی خبری نگه داشته شوند، به طوری که آن ها حاکم را تا قبل از دوره مشروطه خلیفه خدا بر روی زمین می دانستند و این مسأله دست آن ها را برای هر گونه اقدامی بسته بود، بنابراین، در اشعار این دوره، شاعران همواره به نادانی مردم عوام معترض هستند، از جمله:

یک عمر بر این ملت خواب آلوده
فریاد و فغان زدیم بیدار نشد
هر خویش چو نقش در و دیوار نشد
از نقشه بیگانه خبردار نشد

(فرخی یزدی، ۱۳۶۰: ۲۲۴)

در این ابیات فرخی یزدی به غفلت و بی خبری ملت و مردم ایران معترض است. در کنار این اعتراضات، شاعران به آگاهی بخشی مردم نیز می پردازند، مثل:

غیر ما مردم که نار جهلمان افروخته
تا به اکنون کی در بیت المقدس سوخته

(فرخی یزدی، ۱۳۶۰: ۱۸۹)

۲-۷-۲- اعتراض اختصاصی دوره قبل از انقلاب اسلامی

۲-۷-۱- اعتراض به خفقان و عدم آزادی

آزادی به این معنی است که مردم علاوه بر این که از نظر فردی، حقوق و آزادی‌هایی دارند، از نظر اجتماعی نیز مختارند سرنوشت سیاسی و اقتصادی خود و سرزمین خود را معین کنند. چنین مایه‌هایی پیش از آن در ادبیات و فرهنگ شعری ما وجود نداشته است (باحقی، ۱۳۸۸: ۱۶). اما از دوره مشروطه کم‌کم بحث‌ها و گفتگوهای در مورد آزادی، قانون و حقوق انسانی در میان مردم رواج پیدا کرد و تا دوره قبل از انقلاب نیز رواج داشت. این نوع اعتراض در شعر شاعران نوپرداز، نشان‌دهنده دقت نظر این شاعران در موضوعات اجتماعی است که از این منظر هم می‌توان شعر نو را ابزاری برای بیان مسائل اجتماعی دانست. یکی از شاعرانی که به این مسأله توجه کرده، نیما است. او در کنار طرح مسائل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، به مسأله خفقان و عدم آزادی نیز پرداخته است. از نظر او، جامعه‌ای که در آن آزادی وجود ندارد و از جنبه‌های مختلف محدودیت دارد، همانند قفسی است که انسان در آن، همواره در حسرت آزادی و رهایی است:

دلم از تنگی قفس بگرفت نقش دریای بی کران بهتر
(نیما، ۱۳۹۱: ۸۷۵)

در اینجا شاعر خلاف همه موارد گفته شده را مد نظر دارد. نمونه دیگر: گروس / گروس پیر سر به طاق فلک سوده / مغرور پاک سر به خاک نیالوده / دردی عمیق دارم / اینجا، فرزند کوه را / دعوت به احتناق / دعوت به بند و بیم، به تسلیم می‌کنند / من ایلایم / من وصله‌ای به پیرهن شهر نیستم / این جا غریب مانده‌ام و دلتنگ / من سنگ نیستم (عبدالملکیان، ۱۳۶۶: ۲۰-۱۹)

به نوعی او علیه این سکوت و خفقان اعتراض کرده و دیگران را به قیام و پایداری در برابر ظلم و استبداد دعوت کرده است. در واقع پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ پرده آهنینی به دور حوزه سیاست ایران کشیده شد و نوعی ناامیدی و یأس و عدم تلاش در بین مردم رواج یافت. در آن سال‌ها سیاست مبارزه اجتماعی کم‌کم به سیاست مهندسی اجتماعی تبدیل شد. شاه این آرامش را نشانه رضایت مردم و مشروعیت رژیم خود قلمداد می‌کرد و مخالفان هم آن را آرامش پیش از طوفان می‌دانستند (آبراهامیان، ۱۳۸۷: ۵۵۴)

اگرچه در آن سال‌ها نیز شاه ایران به دستور ایادی آمریکایی خود اقداماتی را انجام می‌داد و فضای باز سیاسی را در کشور اعلام می‌کرد؛ اما باز جلوی هرگونه آزادی گرفته می‌شد، قلم‌ها را از دست نویسندگان می‌گرفتند، زبان‌ها را بریدند و دهان‌ها را می‌بستند. (حالت، ۱۳۷۰: ۵۰۱) از این رو شاعران از نبود آزادی به کنایه سخن می‌گویند.

۲-۸-۱- اعتراض به فراموشی ارزش‌ها و یاد شهدا

در تمام دوران قبل از انقلاب اسلامی و بعد از آن و همچنین در دوران جنگ تحمیلی، ملت ایران داغدار جوانان بسیاری بود که در راه رسیدن به آرمان‌های خود و برای تحقق و حفظ ارزش‌های اسلامی جان خود را فدا نمودند و شهید شدند. این مسئله حفظ و نشر ارزش‌های شهیدان و دفاع مقدس، دغدغه بسیار مهمی است که همه اقشار جامعه به آن اهتمام دارند. برای همین، در ادبیات دفاع مقدس، هم در سال‌های هشت گانه جنگ تحمیلی و هم در سال‌های پس از پایان جنگ - به طور گسترده‌تر و چشمگیرتر - موضوع فراموشی ارزش‌ها و یاد شهدا، محور و موضوع بسیاری از سروده‌ها و نوشته‌ها قرار گرفت، چون این ارزش‌ها به مرور زمان کم رنگ می‌شدند و توجه به مادیات و تجملات جای آن ارزش‌های والا را می‌گرفت. چنان‌که سیدحسن حسینی در منظومه «مرداب‌ها و آب‌ها» می‌گوید:

ماجرای این بود کم‌کم کمیت بالا گرفت جای ارزش‌های ما را عرضه کالا گرفت

(حسینی، ۱۳۸۷: ۱۱۷)

بنابراین همان شاعرانی که در دوران جنگ برای تحریض ملت در جهت دفاع از مرزهای اسلامی شعر می‌سرودند، در عین حال زبان به اعتراض علیه حرمت‌شکنی‌ها و بی‌توجهی به ارزش‌ها در داخل کشور می‌گشودند. از جمله این اعتراضات می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره نمود:

بادم گرم من بز، زخمه به جان تار خویش باز آهنگ لاله‌ها، دارد از یاد می‌رود

(کاکایی، ۱۳۶۹: ۶۴)

ای چهره گل انداخته از خون عزیزان! این گونه علمداری راه شهدا نیست

(مودب، ۱۳۸۸: ۷۱)

در حقیقت، این شاعران به خود و مردم غافل اعتراض می‌کنند که چرا تمام هم و غم خود را در جهت کسب منافع مادی بیشتر صرف می‌کنند. علاوه بر فراموشی یاد و خاطره شهدا گاهی در جامعه، شهدای زنده؛ یعنی جانبازان و رزمندگان سال‌های خون و حماسه، با بی‌مهری مواجه می‌شوند و آنان که زمانی مایه افتخار و پیروزی ملت بودند، حتی گاهی تحقیر هم می‌شوند. این امر زمینه این‌گونه اعتراضات را فراهم نمود:

تن یاران وطن پر شده از شعله و زخم باز، بر زخم چرا زخم زبانیید شما؟

(قزوه، ۱۳۹۱: ۸۸)

یا: ای مسافر خطوط ارغوان! به من بگو / پای عاشق تو را / به جرم پویه رها / باز هم قلم نمی‌کنند؟ (رضایی‌نیا، ۱۳۸۹: ۴۲)

علاوه بر این‌ها باید گفت که ارزش‌های اسلامی، حاصل خون شهیدان است و رعایت احترام به خون و خانواده شهدا، یکی از اصول ارزشی جامعه است؛ ولی در این دوره حتی برخی از خانواده‌های شهدا و جانبازان که ارزش‌های انقلاب را فراموش کرده‌اند نیز، مورد طعنه و اعتراض قرار می‌گیرند و گاهی شاعر از این که رزمنده دیروز تغییر کرده، انتقاد می‌نماید، مثل:

پیراهن تو بوی شهادت می‌داد / ما را تن زخمی‌ات خجالت می‌داد
امروز اتو کرده سخن می‌گویی / شور نفست طعم ریاست می‌داد
(محمدی، ۱۳۸۸: ۱۱۷)

این نوع اعتراض مخصوص دوره انقلاب اسلامی است و نشان می‌دهد شاعر انقلابی در کنار گوش زد کردن حقوق خانواده شهدا و ایثارگران، باز از کج‌روی برخی از آنها و انحراف از مسیر درست چشم‌پوشی نمی‌کند و وظیفه خود را در روشنگری همه اقشار به جا می‌آورد. این نوع اعتراض به خودی‌ها، نشانه سیر صعودی و تعالی شعر اعتراض دوره انقلاب اسلامی است که در هیچ دوره دیگری مشاهده نمی‌شود.

۲-۸-۲- اعتراض و انتظار موعود^(عج)

شاعران شیعه مذهب، انتظار را راهی برای رسیدن به جهان مطلوب می‌دانند و برای همین با مقایسه اوضاع کنونی و آینده آرمانی، تفاوت بسیار زیادی را بین این دو دوران می‌بینند و می‌دانند هر نوع تغییری در پی اعتراض به وضعیت کنونی شکل می‌گیرد. برای همین، شاعران سعی می‌کنند در قالب یک فرد منتظر، ایده‌ها و افکار اصلاحی خود را مطرح نمایند. این شاعران متعهد با شناختی که از امام زمان^(عج) و اجداد و آباء گرامی‌شان دارند، می‌دانند که امام عصر^(عج) هیچ‌گاه طرفدار تجمل‌گرایی، کسب نام و نشان رسمی و ... نیستند، پس در اشعار خود این صفات را این‌گونه مذمت می‌کنند: توفانی در راه است / و مردی می‌آید / که به درجه تیمسارها نگاه نمی‌کند / از سمت بهشت زهرا / با سربازانی پا برهنه / که از چشمانشان لاله می‌چکد! / مردی می‌آید / که از شعار و حرف زیادی بدش می‌آید / مردی که به پاترول‌ها، سواری نداده است / و کلکسیون پیکان ندارد! (قزوه، ۱۳۶۹: ۱۵۲) در جای دیگر شاعر در اعتراض به حرف‌های بی‌عمل و تجملات و ظاهرسازی‌های عده‌ای به بهانه‌زمینه‌سازی ظهور با طعنه می‌گوید:

چیزی از سوره یوسف به عزیزی نرسید همه در بس که در حق تو کرد ند مسلمانانی ها
دست، ترنجی و از این می رنجی که به نام تو گرفتند چه هممانی ها
(مهدی نژاد، سیار، ۱۳۸۸: ۶۶)

در اینجا «مسلمانی‌ها» در معنی متضاد آن به کار رفته است و شاعر نوعی آبرونی یا طنز کنایی به کار برده است. نمونه های دیگر: خانه خلاصه او / نه شوفاژ دارد و نه شومینه / او هم مثل خیلی ها از گرانی، از تورم از کمبود رنج می برد / او دلش برای انقلاب می سوزد / و از آدم های فرصت طلب بدش می آید / و از آدم های متظاهر متنفر است (هراتی، ۱۳۶۴: ۱۰۰)

علاوه بر این در این اشعار نوعی اعتراض به تفکر گناهکاری و گناه کردن برای زمینه سازی ظهور منجی وجود دارد. در واقع این تفکر در اثر کج فهمی های افراد سودجو و کاهل در جامعه رواج یافته است. آن ها معتقدند که برای ظهور، تنها وظیفه ما افزودن بر گناه و فساد در جامعه است. در حالی که اسلام هیچ گاه چنین تفکری را نمی پذیرد، از جمله: و لال باد آن / که دهان به غیظ می گشاید / و باغ را / و چراغ را / با دم هرز خویش / مسموم می دارد / این سان که به تقدیس معصیت نشستی / و چشم از آفتاب بستی / بدان که جولان شیطان / به طلوع عشق نمی انجامد (هراتی، ۱۳۶۴: ۲۸)

همچنین در احادیث به ما دستور داده اند شب که به بستر استراحت می روید، در انتظار این باشید که صبح مقدمات قیام و انقلاب منجی (عج) شروع شود. به این ترتیب، به ما اجازه یک «آن» غفلت و سهل انگاری داده نشده است. اما عده ای از افراد بر اثر نداشتن رشد فکری، مسئله انتظار و قیام امام زمان (ع) را وسیله ای برای تبلی، بی حالی، وادادگی، فرار از زیر بار مسئولیت ها و دستاویزی برای عدم انجام وظیفه قرار داده اند (مکارم شیرازی، ۱۳۴۳: ۱۷) برای همین است که شاعران به این طرز تفکر اعتراض می نمایند:

دل بسته اند بر تو و از خود بریده اند
این مردمان کاهل دل بسته بر امید
(موسوی گرمارودی، ۱۳۶۲: ۶۶)

در واقع این گونه اعتراضات همچون نسخه هایی از «امر به معروف و نهی از منکر» است و هدف آن ها آگاه نمودن منتظران به انحرافات خود و تلاش برای حرکت به سمت اصلاحات اصیل اسلامی و ظهور امام زمان (عج) است.

۳- نتیجه گیری

بر اساس آنچه گفته شد، می توان دریافت که شعر اعتراض نوعی شعر اجتماعی است که در همه ادوار شعر فارسی وجود داشته و در هر دوره ای نادرستی های رفتاری مردم و افراد حاکم و مسئولان را گوشزد می کرده است و هدف این نوع اشعار، اصلاح زشتی ها از طریق نکوهش و سرزنش زشتی ها بوده و به تحریض، تهییج و تحریک

مردم در امور سازنده می‌پرداخته، همچنین این اشعار ضمن همدردی با مردم در غم‌ها و حادثه‌ها، صدای توده مردم را به مسئولان بالادست می‌رساندند و مسئولان را نیز در جهت رفع مشکلات جامعه یاری می‌نمودند. در سیر تکاملی این شعر نیز می‌بینیم؛ هرچه از دوره مشروطه جلوتر می‌رویم خواسته‌ها و اعتراض‌های مردم سنجیده‌تر و مهم‌تر می‌شوند تا این که در دوره انقلاب اسلامی مطالبات مردم با توجه به سطح فکری آن‌ها و رویکرد انقلاب اسلامی بیشتر ارزشی و دینی می‌شوند تا مادی و دنیوی و مانند دو دوره قبل این اعتراض‌ها به صورت پرخاشجویی علیه نظام حکومت نیست؛ بلکه این نوع شعر با زبان طنز و یا با زبان نمادین، مردم و مسوولان را آماج تیرهای منتقدان و معترضان قرار می‌دهد و همین مسأله، سبب تمایز شعر اعتراض دوره انقلاب اسلامی با شعر سیاسی دوره مشروطیت یا سال‌های پیش از انقلاب اسلامی شده است.

فهرست منابع

- ابتهاج، هوشنگ. (۱۳۷۸). **راهی و آهی** (منتخب هفت دفتر شعر). تهران: نشر سخن.
- آبراهامیان، برواند. (۱۳۸۷). **ایران بین دو انقلاب**. ترجمه احمد گل محمدی. محمدابراهیم فتاحی. چاپ چهاردهم. تهران: نشر نی.
- اخوان ثالث، مهدی. (۱۳۶۲). **زمستان**. چاپ نهم. تهران: نشر مروارید.
- ادیب‌الممالک فراهانی. (۱۳۵۵). **دیوان اشعار**. به اهتمام وحید دستگردی، فروغی. بهار، محمدتقی. (۱۳۸۷). **دیوان اشعار**. تهران: نشر نگاه.
- پشتدار، علی محمد. (۱۳۸۹). «چشم انداز آزادگی و ادب اعتراض در شعر فارسی». دو فصلنامه علوم ادبی. سال سوم، شماره پنجم، صص ۱۵۳-۱۶۲.
- جعفری‌زاده، علی. (۱۳۹۱). «بررسی رباعی از اول انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۹۰». استاد راهنما دکتر محمود مدبری. دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- حالت، ابوالقاسم. (۱۳۷۰). **دیوان خروس لاری**. چاپ چهارم، تهران: نشر کتابخانه سنایی.
- حسینی، سید حسن. (۱۳۸۷). **نوش داروی طرح ژنریک**. چاپ ششم. تهران: نشر سوره مهر.
- حسینی، سید حسن. (۱۳۶۳). **هم صدا با حلق اسماعیل**. تهران: حوزه هنری.
- خویی، اسماعیل. (۱۳۵۷). **ما بودگان**. تهران: نشر امیرکبیر.
- رضایی‌نیا، عبدالرضا. (۱۳۸۹). **کفش‌های مجنون گم گشت**. مشهد: سپیده‌باوران.
- شاملو، احمد. (۱۳۷۹). **قطعه‌نامه**. چاپ دوم. تهران: نشر زمانه.

- شاملو، احمد. (۱۳۸۱). **مجموعه اشعار**. تهران: نشر نگاه.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۶). **آیین‌های برای صداها**. تهران: نشر سخن.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۰). **تازیانه‌های سلوک**. چاپ سوم. تهران: نشر آگاه.
- صدری‌نیا، باقر. (۱۳۷۲). «اندیشه عدالت اجتماعی در شعر مشروطیت». مجله ایران فردا. شماره ۶، صص ۹۳-۱۰۹.
- صدقیان‌زاده، قاسم. (۱۳۹۰). «بررسی مولفه‌های پایداری در شعر دفاع مقدس با تکیه بر شعر قیصر امین پور و سلمان هراتی». استاد راهنما دکتر احمد امیری خراسانی. دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- صفارزاده، طاهره. (۱۳۶۵). **بیعت با بیداری**. شیراز: نشر نوید.
- طهماسبی، قادر. (۱۳۸۲). **گزیده ادبیات معاصر**. تهران: نشر کتاب نیستان.
- عارف قزوینی، میرزا قاسم. (۱۳۵۷). **کلیات دیوان**. تهران: سازمان انتشارات جاویدان.
- عبدالملکیان، محمدرضا. (۱۳۶۶). **ریشه در ابر**. تهران: نشر برگ.
- عشقی، سید محمدرضا میرزاده. (۱۳۵۷). **کلیات مصور**. چاپ هشتم. تهران: نشر امیر کبیر.
- فرخی یزدی، محمد. (۱۳۶۰). **دیوان فرخی یزدی**. با تصحیح و مقدمه در شرح احوال شاعر به قلم حسین مکی. تهران: بنیاد نشر کتاب.
- فشاهی، محمدرضا. (۱۳۶۰). **تکوین سرمایه‌داری در ایران**. تهران: نشر گوتنبرگ.
- قزوه، علی رضا. (۱۳۶۹). **از نخلستان تا خیابان**. تهران: مرکز آفرینش‌های ادبی.
- قزوه، علی رضا. (۱۳۹۱). **صبح بنارس**. تهران: موسسه فرهنگی هنری شهرستان ادب.
- کاکایی، عبدالجبار. (۱۳۶۹). **آوازه‌های واپسین**. تهران: نشر همراه.
- کوثری، مسعود. (۱۳۷۹). **آسیب‌شناسی فرهنگی ایران در دوره قاجار**. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- گل‌سرخ، خسرو. (۱۳۷۴). **بیشه بیدار**. به کوشش مجید روشنگر. تهران: نشر مروارید.
- گل‌سرخ، خسرو. (۱۳۸۷). **خسته‌تر از همیشه**. چاپ سوم. تهران: نشر آرویح.
- لاهورتی، ابوالقاسم. (۱۳۵۷). **کلیات لاهوتی**. تهران: نشر توکا.
- لنگرودی، محمدشمس. (۱۳۹۰). «شعر و هنر یک نوع اعتراض است به جهان». نشریه گزارش. شماره ۲۲۷، صص ۵۷-۵۹.
- مصدق، حمید. (۱۳۷۸). **تا رهایی** (منظومه‌ها و شعرها). چاپ هفتم. تهران: نشر زریاب.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۴۳). «انتظار، انتظار». مجله درس‌هایی از مکتب اسلام. سال ششم، شماره ۳، صص ۱۳-۲۲.

ملایی توانی، علی‌رضا. (۱۳۸۱). **مشروطه و جمهوری**. تهران: نشر گستره.

مهدی‌نژاد، امید؛ سیار، محمد مهدی. (۱۳۸۸). **دادخواست ۱۰۰ شعر اعتراض**. چاپ سوم. تهران: سپیده باوران.

مودب، علی محمد. (۱۳۸۸). **روضه در تکیه پروتستان‌ها**. چاپ دوم. تهران: سپیده باوران.

موسوی گرمارودی، سیدعلی. (۱۳۶۲). **سرود رگبار**. چاپ دوم. تهران: نشر رواق.

نجدی، بیژن. (۱۳۸۷). **پسر عموی سپیدار**. چاپ دوم. تهران: موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران. نشر تکا.

هراتی، سلمان. (۱۳۶۴). **از آسمان سبز**. تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.

یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۸۸). **جویبار لحظه‌ها**. چاپ یازدهم. تهران: نشر جامی.

یوشیج، نیما. (۱۳۹۱). **مجموعه کامل اشعار نیما**. تهران: نشر آدینه سبز.

References

- Abdul Malekian, M. (1987). *Root in the cloud* (1st ed.). Tehran: Leaf Publishing.
- Abrahamian, B. (2008). *Iran between two revolutions* (14th ed., A. Gol Mohammadi, & M. Fattahi, Trans.). Tehran: Ney Publishing.
- Adib al-Malik Farahani, (1976). Poetry ourt .By Vahid Dastgerdi, Foroughi.
- Aref Qazvini, M. (1978). *Poetry collection*. Tehran: Javidan Publishing Organization.
- Bahar, M. (2008). *Poetry collection*. Tehran: Negah.
- Ebtehaj, H. (1999). *Rahi Vahi (selected seven poetry books)*. Tehran: Sokhan Publishing.
- Eshghi, S. M. (1978). *Illustrated generalities* (8th ed.). Tehran: Amir Kabir Publishing.
- Farrokhiyazdi, M. (1981) *Divan of Farrokhiyazdi* (H. Makki, Rev.). Tehran: Book Publishing Foundation.
- Fashahi, M. (1981). *The emergence of capitalism in Iran*. Tehran: Gutenberg Publishing.
- Golsorkhi, Kh. (1995). *Bishe Bidar* (M. Roshangar, Rev.). Tehran: Morvarid Publishing.

- Golsorkhi, Kh. (2008). *Tired more than ever* (3rd ed.). Tehran: Arvij Publishing.
- Herati, S. (1985). *From the green sky*. Tehran: Islamic Propaganda Organization Art.
- Hosseini, S. H. (1984). *Sound with Ishmael's throat* (1st ed.). Tehran: Hozeh Honari.
- Hosseini, S. H. (2008). *Generic design medication* (6th ed.). Tehran: Publication of Surah Mehr.
- Jafarizadeh, A. (2012). *A study of quatrains from the beginning of the Islamic Revolution until 1390* (Unpublished master's thesis). Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

- Kakai, A. (1991). *The last songs* (1st ed.). Tehran: Hamrah Publishing.
- Kawthari, M. (2000). *Cultural pathology of Iran in the Qajar period*. Tehran: Center for the Recognition of Islam and Iran.
- Khoei, I. (1978). *We were*. Tehran: Amirkabir Publishing.
- Lahouti, A. (1978). *General Lahouti*. Tehran: Touka Publishing.
- Langroudi, M. (2011). Poetry and art are a kind of protest to the world. *Report Publication*, 227, 57-59.
- Mahdi Nejad, O., & Sayar, M. (2009). *Petition 100 protest poems* (3rd ed.). Tehran: Sepideh Bavaran.
- Makarem Shirazi, N. (1964). Wait, wait. *Journal of Lessons from the School of Islam*, 6 Year, 6 (3), 13-22.
- Malayeh Tavani, A. (2002). *Constitution and republic*. Tehran: Gostareh Publishing.
- Modab, A. (2009). *The shrine is supported by the Protestants* (2nd ed.). Tehran: Sepideh Bavaran.
- Mossadegh, H. (1999). *To liberation (poems and poems)* (7th ed.). Tehran: Zaryab Publishing.
- Mousavi Garmaroodi, S. A. (1983). *Storm Anthem* (2nd ed.). Tehran: Porch Publishing.
- Najdi, B. (2008). *Sepidar's cousin* (2nd ed.). Tehran: Iran Cultural Exhibitions Institute. Taka Publishing.
- Poshtdar, A. (2010). The perspective of freedom and the literature of protest in Persian poetry. *Bi-Quarterly Journal of Literary Sciences*, 3 (5), pp. 153-162.
- Qazwa, A. (1990). *From grove to street*. First Edition. Tehran: Center for Literary Creations.
- Qazwa, A. (2012). *In the morning* (1st ed.) Tehran: Adab Cultural and Artistic Institute.
- Rezaei Nia, A. (2009). *Crazy shoes are lost*. Mashhad: Sepideh Bavaran.
- Sadrunia, B. (1993). The idea of social justice in the poetry of constitutionalism. *Iran-e Farda*, 6, 93-109.
- Saffarzadeh, T. (1986). *Allegiance with awakening* (1st ed.). Shiraz: New publication.
- Sedghianzadeh, Qasim. (2011). *A study of the components of stability in the poetry of holy defense based on the poetry of Qaisar Aminpour and Salman Herati* (Unpublished master's thesis). Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran.

- Shafi'i Kadkani, M. (1997) *A mirror for sounds*. Tehran: Sokhan Publishing.
- Shafi'i Kadkani, M. (2001). *The whips of conduct* (3rd ed.). Tehran: Nashragah.
- Shamloo, A. (2000) . *Resolution* (2nd ed.). Tehran: Zamaneh Publishing.
- Shamloo, A. (2002). *Collected poems*. Tehran: Negah Publishing.
- State, A. (1991). *Divan-e Khoroslari* (4th ed.). Tehran: Sanai Library Publishing.
- Tahmasbi, Q. (2003). *Selection of contemporary literature* (1st ed.). Tehran: Neystan Book Publishing.
- Third Brotherhood, M. (1983). *winter* (9th ed.). Tehran: Morvarid Publishing.
- Yahaqi, M. (2009). *The stream of moments* (11th ed.). Tehran: Jami Publishing.
- Yoshij, N. (2012). *Complete collection of Nima's poems*. Tehran: Adineh Sabz Publishing.

